

دانشگاه کجاست؟ از ما چه می‌خواهند

«گفتاری در دانشگاه رازی : کرمانشاه، هفتم تیر ۱۴۰۰»

فیروز آرش
گروه فیزیک دانشگاه تفرش

۱. دانشگاه کجاست؟

کدام تعریف؟

تعریف من: دانشگاه مکانی برای **خردورزی** است که در آن اندیشه‌های نو پرورانده می‌شود، یافته‌های نو تایید، تکمیل و خطاها و ناراستی‌ها در برخورد اندیشه‌ها آشکار و زدوده می‌شوند.

- آموزش متقابل (برخورد اندیشه‌ها)
- پاس‌داری از استدلال، کنجکاوی و پرسش‌گری
- جایگاهی برای تعامل فلسفی، پشتیبان خردورزی در برابر خواسته‌های عمومی و نیروهای بیرونی
- دانشگاه فروشگاه بزرگی پیشه‌فروشی نیست، بلکه جامعه‌ای برای بحث و تبادل دیدگاه در باره‌ی مسئله‌های درگیر انسان‌ها است.

۲. دانشگاه تنها نهادی است که **بودنش** را وام‌دار آموزش است. (آموزش خردورزی....)

آمیزه‌ی (۱) و (۲): ←

❖ فرارویاندن دیدگاه دانشجو از نگاره‌ای باریک به ترازوی از آگاهی که بتوانند نقش‌های بزرگ‌تر را ببینند.

❖ پروراندن خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجو تا بتوانند اندیشه‌های دگم را به چالش دعوت کنند. بازنگری پیوسته‌ی باورها: **این آموزش پیوسته است.**

❖ گسترش کران‌های نگرش به گونه‌ای که دانشجو بیاموزد تا رابطه‌ی بین پدیده‌های به ظاهر متفاوت را بیابد.

❖ بیاموزد که چگونه مستقل از دیگران، دانش (به معنی آگاهی) به دست آورد.

این‌ها کیفیت‌هایی اند که دانشجوی امروز را برای رهبری آینده آماده می‌کند.

۳. بستر پرورش انسان خردورز برای آینده:

چگونه دانشگاهی؟

ویلهم هومبولت اساس آن را در سه بند بیان می‌کند:

۱. وحدت آموزش و پژوهش: نکوهش جدایی پژوهش از آموزش

۲. آزادی آکادمیک: آزادی استادها در تدریس تخصص‌شان و پیگیری آزادانه‌ی کنجکاوی فردی

۳. خودگردانی آکادمیک: پشتیبانی از کار آکادمیک در برابر تحریف‌ها و کنترل دولتی

در نگاه هومبولت، پژوهش به‌روز، راهنمای تدریس است. این پژوهش باید بی‌طرف و مستقل از ایدئولوژی و سیاست باشد.

دانشگاه هومبولتی برای فهمیدن دنیا، نیازمند آزادی آکادمیک برای استاد و دانشجو در خردورزی است. انسانیت و آزادی اندیشه راهنماهای آموزش دانشگاهی اند. دانش باید بر پایه‌ی منطق، استدلال و آزمون‌های تجربی به‌دست بیاید و نه بر

اساس قدرت، سنت و دگماتیسم.

لازمه‌ی این بستر محیطی با چیدمان اجتماعی تعاملی است.
شور و آزادی اندیشه و عمل در آن موج می‌زند و فضای باز
و زایا می‌سازد.

پی‌آمد آن :

✓ زایش اندیشه‌های نو در دنیای مدرن.

✓ استادها و دانشجوها، به وجود آورندگان دنیای مدرن

اند. به‌وجود آورندگان اندیشه‌ها و فرایندهای اجتماعی

دگرگون‌کننده‌ی جوامع خودشان اند.

✓ آنها نمادها و نمونه‌های آشکار نهادهایی هستند که نه

تنها درگیر فرایند دینامیکی تولید و توصیف دانش اند، بلکه

نسبت به نیازهای زمان و مسئله‌های دنیا حساس اند.

۴. بنیادها

نهادی که می‌خواهد انسان خردورز و مسئول برای فردا
بپروراند، انسانی که نگران نیازهای جامعه و سلامت آن است،
به خودی خود پدید نمی‌آید. ناگزیر باید بر مجموعه‌ای از
بنیادها استوار باشد.

بنیادها کدام اند؟

۱. نداشتن انگیزه‌ی بیرونی

۲. استقلال و آزادی آکادمیک

۳. فضای باز پژوهش و گفتگو

۴. پوشش کران‌های کوتاه‌مدت و درازمدت

⋮

به گمانم، گفتار بالا سه نکته را روشن می‌کند:

(الف): نقش محوری دانشگاه را در جامعه تعریف می‌کند:

دانشگاه‌ها با رویدادهای روز درگیر اند. به پایش و بررسی آنها می‌پردازند. با همه‌ی بخش‌های جامعه برهم‌کنش دارند. کُنایی و عمل‌کرد آنها در گستره‌ای است که پیوسته تغییر می‌کند. این، تعامل و درگیری یگانه است. یعنی دانشگاه‌ها به آینده می‌اندیشند و در نگاره‌ای بزرگ‌تر جهانی می‌اندیشند و در همان حال، اکنون را و دشواری‌های موضعی را فراموش نمی‌کنند.

(ب): ارزش‌های دانشگاهی را برمی‌شمارد:

- ❖ کشف و آفرینش دانش نو،
- ❖ آزمودن دانش برجای مانده از گذشته
- ❖ خلاقیت و نوآوری
- ❖ مسئولیت‌پذیری در برابر کاربردهای عملی دانش،
- ❖ باز بودن و پذیرای نگاه‌های متفاوت،
- ❖ دلیری و تعامل، کرامت و عدالت‌گستری، برابری،
- ❖ مسولیت‌پذیری اجتماعی، گوناگونی فرهنگی،

❖ تکثرگرایی.

نادیده گرفتن این ارزش‌های سنتی دانشگاه، ما را از واکنش نشان دادن در برابر چالش‌های امروز باز می‌دارد. اینها همان ارزش‌هایی اند که ما را در پاسخ به چالش‌های گذشته توانا کرده اند.

(پ): آموزش دانشگاهی

آموزش دانشگاهی برهم آورنده‌ی پیوند میان انسان، فرهنگ و جامعه است. وظیفه‌ی آن تنها در آموزش مهارت‌های لازم امروز (کوتاه‌عمر) نیست، بلکه پرورش انسان‌هایی است که توانایی رویارویی با ناشناخته‌های آینده را دارند و می‌توانند در برابر آنها واکنش مناسب نشان دهند. گفتار بالا بخشی از سازوکار درونی کارکرد دانشگاه است که رسیدن به وظیفه‌ی اصلی خود، یعنی فهمیدن و گستراندن آن را شدنی می‌کند. چالش جدی در این است که چگونه

می توان از این هدف پاسداری کرد و به هدفهای ثانوی هم
رسید؟

پاسخ به این پرسش، موضوع بخش دوم گفتار من است:

II. از ما چه می‌خواهند؟

۱. کجا ایستاده‌ایم؟

دانشگاه‌ها برای پژوهش ساخته نشدند. آنها ساخته شدند تا مردمان آموزش دیده تربیت کنند. اگر قرار است دانشگاه باشیم، اولویت را باید به آموزش و پژوهش را در خدمت آموزش قرار دهیم.

• استخدام‌ها

• آموزش اندرونی: کهنه‌گی

• جدایی پژوهش از آموزش

امروز در دانشگاه‌های بزرگ کار به جایی رسیده است که دست‌کم در رشته‌های فنی مهندسی و علوم پایه می‌گوییم: پژوهش حق ماست، اما تدریس وظیفه‌ای است و از سر ناگزیری.



نظر سنجی من

۲. پژوهش دانشگاهی

- دستوری بودن: آیین نامه‌های تغییر وضعیت و ارتقاء
- پژوهش‌های تجربی: جمع‌آوری داده
- در پژوهش‌های نظری: پالایش‌های جزئی
- در بسیاری از مقاله‌های پژوهشی که نوشته می‌شوند، نویسندگان از پیش می‌دانند که باید به چه نتیجه‌ای برسند. به گفته اینشتین: «اگر می‌دانستیم که به چه نتیجه‌ای باید برسیم، کار ما دیگر پژوهش نامیده نمی‌شد.»

۳. رویکرد سیاست گزارها به دانشگاه

• ویژگی دوران ما جهانی شدن است. دانشگاه‌ها نقش کلیدی سرمایه‌ی ملی یافته‌اند و از حاشیه به مرکز توجه دولت‌ها جابه‌جا شده‌اند.

• دولت‌ها به درستی می‌پندارند که دانشگاه جایی است که می‌تواند اندیشه‌ی نو بیافریند، افراد چیره‌دستی تربیت کند که در نوآوری فناوری سهم داشته باشند. بنابراین، دانشگاه در مرکز توجه دولت قرار می‌گیرد و به توپ فوتبال سیاست تبدیل می‌شود:

دیروز: تولید مقاله. امروز کارآفرینی و فردا؟ بستگی به این دارد که چه چیزی در عرصه‌ی سیاست آن سال مهم است. شاید بالا رفتن از دیوار صاف!

• دولت می‌پندارد که دانشگاه باید پژوهش کند چون پژوهش اساس اقتصاد دانش بنیاد است: پژوهش به نوآوری و نوآوری فناوری به فرارویش و شکوفایی اقتصادی می‌انجامد.

از بی‌کاری می‌کاهد و شکوه ملی و آسایش اجتماعی به همراه خواهد داشت.

دولت و سیاست‌گذارها با بهره‌گیری از امکان‌های تبلیغی خود، توانسته‌اند این نگاه حداقلی از کارکرد دانشگاه را به جامعه بیاورانند که:

دانشگاه‌ها آفرینندگان دانش و نوآوری‌های زودرس‌اند و باید به طور مستقیم و برجسته، به همین کار پردازند.

در دو دهه‌ی گذشته، دستگاه‌های دولتی به این باور رسیدند که پیش‌نیاز موفقیت درازمدت در اقتصاد دانش‌بنیاد، آموزش و پژوهش‌های پُراندرونه‌اند و بخش بزرگ هر دو، در دانشگاه جایگزیده است. اجرای این دیدگاه، پیش‌ران‌های سیاست‌گذاری برای دوام و کارکرد دانشگاه شدند. رویارویی با چالش‌های آنی دنیای دگرنده، سیاست‌گذارها را وادار کرده است تا دانشگاه‌ها را همانند منابع سودآور بدانند که در حل دشواری‌های روز، بسیار سودمند‌اند. در نتیجه، دانشگاه را منبع پرسود

تولید محصولات‌های تجارتي پنداشتند. اين محصول، دانشجو را
نيز شامل است.

در کشور ما دانشگاه‌ها زیر فشار اند تا به تجاری سازی یافته-
های خود بپردازند. به بیان دیگر، سیاست‌گزارها از دانشگاه
می‌خواهند تا به دشواری‌های روز و نیازمندی‌های آني جامعه
بپردازند. ما نیز این خواست را لازم می‌دانیم و به آن ارج
می‌گذاریم (دانشگاه همیشه این کار را انجام داده است).
اما، بر این هم پافشاری می‌کنیم که چنین سیاستی باید در
چارچوب کارکرد گسترده‌ی سپهر دانشگاه فهمیده شود. من بر
آنم که این نگاه عمومی سیاست‌گزارها به دانشگاه، بر کج‌فهمی
های جدی استوار است. فهمیدن نقش واقعی دانشگاه‌ها در
جامعه‌های مدرن و ارتباط بین هدف‌ها و ابزارهای رسیدن به
آنها، باید پیش از اعمال سیاست‌ها به خوبی فهمیده شوند. آنچه
را که امروز پیش روی ماست، بیم رویارویی رویکرد سیاست-
گزارها به دانشگاه، با همان فرایندهایی است که دانشگاه را
سودمند می‌کنند.

پس دشواری کجاست؟

من چهار نکته را برمی شمارم:

➤ برقراری رابطه ی خطی بین تولید پژوهشی دانشگاه و

تولید ناخالص ملی

➤ نادیده انگاشتن رسالت درازمدت دانشگاه به بهانه هدف

ها و نیازهای کوتاه مدت

➤ درکی نادرست از «تولید دانش»، «فناوری» و «تولید و

ساخت»

➤ گنگی پاسخگویی دانشگاه. دانشگاه باید به چه چیزی

پاسخگو باشد؟

هر یک از این نکته ها بحثی جداگانه لازم دارد. من به کوتاهی به

برخی از آنها می پردازم

(الف): برقراری رابطه‌ی خطی بین تولید دانشگاهی و تولید

ناخالص ملی

در این نگاه فرایند پیچیده‌ی تولید دانشگاهی نادیده گرفته می‌شود. اگر باور دولت را بپذیریم، باید در گام بعدی فرض کنیم که تنها با پروراندن رشته‌های مهندسی و پزشکی است که تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد. این دیدگاه را وزیر علوم و فناوری دولت آقای روحانی با زبانی روشن در بسته‌بندی «دانشگاه نسل سوم» بیان می‌کند و هیچ جای تردید هم باقی نمی‌گذارد.

نگاه کنید به: سخنرانی دکتر فرهادی، وزیر علوم، سخنرانی دکتر کریمیان، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی امور فناوری در سالن اجلاس سران، سایت خبری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۶ آذر ۱۳۹۳. هم‌چنین، سخنرانی دکتر فرهادی، وزیر علوم در دانشگاه گیلان، سایت خبری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۳۰ دی ماه ۱۳۹۳، بازهم نگاه کنید به سایت خبری وزارت علوم، ۷ بهمن ۱۳۹۳.

در تیرماه ۱۳۹۶، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی نامه‌ی شماره‌ی ۶۷۵۰۷ به تاریخ ۹۶/۴/۳۰ «برنامه‌ی اشتغال فراگیر» را که پرداخته‌ی وزیران امور اقتصادی و دارایی (علی طیب‌نیا)، معاون، کار و رفاه اجتماعی (علی ربیعی)، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور (جمشید انصاری)، رئیس بانک مرکزی (ولی‌الله سیف)، رئیس سازمان برنامه و بودجه‌ی کشور (محمدباقر نوبخت)، رئیس هیئت عامل صندوق توسعه‌ی ملی

(احمد دوست حسینی) و معاون هماهنگی و نظارت معاون اول
رییس جمهور (رضا ویسه) است و در هیئت وزیران به تاریخ
۱۳۹۶/۶/۳۱ به تصویب رسیده بود، به دانشگاه‌ها اعلام کرد. در
ماده ۹ این ابلاغیه آمده است:

به منظور متناسب‌سازی تحصیل و اشتغال، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف
است با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا پانزدهم تیرماه ۱۳۹۶ نسبت
به تنظیم سازوکار اجرایی موارد ذیل اقدام و گزارش اقدامات به عمل آمده و عملکرد
آن را به دبیرخانه ستاد و کارگروه ملی تخصصی مدیریت و راهبردی توسعه
اشتغال پایدار ارائه نماید:

- توسعه دوره‌های کارآموزی و کارورزی در دوره‌های آموزش عالی
- تعریف دوره‌های آموزش تکمیلی در چارچوب نظام صلاحیت حرفه‌ای
و ارائه گواهینامه‌های سطوح مهارتی و تخصصی.
- فراهم کردن شرایط برای اجرای آموزش‌های عملی و کاربردی در
محیط‌های کار و کارگاهی
- رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی بر مبنای میزان اشتغال -
پذیری فارغ‌التحصیلان
- جهت‌دهی به یارانه دانشگاه‌ها بر مبنای میزان اشتغال‌پذیری فارغ-
التحصیلان دانشگاهی در دوره‌های کارورزی
- نظارت بر دوره‌های آموزشی کاربردی برگزار شده در محیط‌ها

دانشگاهی با رویکرد افزایش اشتغال‌پذیری

آنها دانشگاه «مهارت‌گرا» می‌خواهند. رشته‌ای که به تولید اقتصادی نینجامد و کارآفرین نباشد باید برچیده شود. منظورشان از «مهارت» آموزه‌های کهنه‌ای است که فردا وجود نخواهند داشت.

چه توجیهی در پس این دستور نهفته است؟

(ب): فراموشی رسالت دراز مدت دانشگاه:

پرورش انسان خردورز برای رویارویی با فرداهای ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی است.

(پ): تولید دانش، فناوری و «ساخت و تولید» سه فرایند کاملاً متفاوت اند.

(ت): پاسخگو بودن دانشگاه:

پاسخگو بودن امری نسبی است.

دانشگاه‌ها هم در این دام افتاده اند

شمارش تعداد مقاله‌ها، ثبت اختراع، ارتباط با صنعت، برپایی دیپارتمان‌های «کاربردی» تلاش‌های مدیران گماشته است.

حق دولت:

با این حال، می‌پذیرم که دولت از جیب جامعه برای دانشگاه هزینه می‌کند و شاید حق داشته باشد که در مقابل، چیزی از دانشگاه بخواهد.

اما پیش از اعمال این سیاست:

✓ فهمیدن نقش واقعی دانشگاه‌ها در جامعه‌های مدرن

(دانش بنیاد) و ارتباط بین هدف‌ها و ابزارهای رسیدن به آنها

باید پیشاپیش به خوبی فهمیده شوند.

رویکردی را که سیاست‌گذارهای دولت در برابر دانشگاه

برگزیده‌اند، دستاوردهای ثانوی آموزش دانشگاهی است.

پافشاری بر آنها، توانایی‌های دانشگاه برای دیدن آینده‌ی ورای

دشواری‌ها و مسئله‌های امروز را نادیده می‌انگارد و دانشگاه را

در آماده‌سازی برای خردورزی و ایده‌سازی‌های لازم فردا
ناتوان می‌کند.

جمع بندی:

کوتاه بگویم: دولت و سیاست گذارها، دانشگاه را کارخانه‌ای تولیدی با محصول مشخص می‌دانند و می‌پندارند که با استاندارد کردن فرایند تولید، محصول با صرفه به بازار عرضه می‌شود. به خود اجازه می‌دهند استاندارد سازی را به دانشگاه بقبولانند. آنها نمی‌پذیرند که برون داد دانشگاه طیفی گسترده است:

- با پژوهش، امکان های نو می آفریند.
- با آموزش، انسان های نو می سازد

❖ برهم کنش و تقابل بین این دو به فرارویش توانایی‌هایی می‌انجامد که پذیرش آنها نه تنها پاسخگوی نیازهای آنی است، بلکه با پروراندن اندیشه و مردمانی خردورز، شکل دهنده-ی آینده‌ای است که هنوز ناشناخته است. این مردمان می‌توانند

در این آینده تاب بیاورند و در برابر چالش‌های آن پاسخگو باشند.

❖ این روزها نغمه‌ای نواخته می‌شود که دانشجو را مشتری و دانشگاه را دکان می‌نامد. این بازتعریف فرض می‌کند که بین دریافت‌کنندگان مهارت فنی خاص و به کارگیری آن در اقتصاد روز رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. مانند قرار دادی که با بنگاه آموزش رانندگی بسته می‌شود تا رانندگی آموخته شود.